



فرج

فرج آلت تناسلی مادینه را می‌گویند.

فهرست مندرجات

- ۱ - فرج در لغت
- ۲ - احکام مرتبط
- ۳ - وجوب پوشاندن
- ۴ - حکم دخول در فرج
- ۵ - نگاه کردن به فرج
- ۶ - استمتاع از فرج
- ۷ - عیوب موجب فسخ نکاح
- ۸ - حقوق واجب زوجه
- ۹ - ایلاء
- ۱۰ - خوردن فرج
- ۱۱ - فرج در حدود
- ۱۲ - فرج و احتیاط
- ۱۳ - پانویس
- ۱۴ - منبع

فرج در لغت

فرج در لغت به معنای شکاف بین دو چیز آمده است، مانند شکاف دیوار و نیز میانه دو پا را فرج گویند. از این رو، به کنایه به آلت تناسلی زن و مرد؛ هر دو فرج اطلاق شده است؛ چنان که به **دُبُر** نیز گفته می‌شود؛ لیکن کاربرد رایج آن در عرف، روایات و کلمات فقها آلت تناسلی زن می‌باشد؛ به گونه‌ای که هرگاه مطلق و بدون قرینه به کار رود منصرف به همین معنا است.

[۱] المفردات، واژه فرج.

[۲] راغب، واژه فرج.

[۳] لسان العرب، واژه فرج.

[۴] مجمع البحرین، واژه فرج.

[۵] المعتنر، ج ۱، ص ۱۸۱.

[۶] الحدائق الناضرة، ج ۱۹، ص ۴۵۱.

[۷] غایة الآمال، ج ۳، ص ۴۳۲.

[۸] جامع المدارک، ج ۱، ص ۶۱.

چنان که - به گفته برخی - عنوان **وطی**، **جماع** و مانند آن در **روایات**، در صورت مطلق بودن، به آمیزش در فرج انصراف دارد و شامل آمیزش در **دُبُر** نمی‌شود.

[۹] الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۲۶۴.

[۱۰] الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۱۹.

[۱۱] الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۴۲۹ - ۴۳۰.

[۱۲] غایة الآمال، ج ۳، ص ۴۳۲.

احکام مرتبط

از احکام مرتبط با آن در بابهای **طهارت**، **نکاح**، **ایلاء**، **صید** و **ذباحه** و **حدود** سخن گفته‌اند.

وجوب پوشاندن

فرج، عورت به شمار می‌رود و پوشاندن آن از غیر زوج و مولا **واجب** است.

حکم دخول در فرج

دخول در فرج به مقدار **حشفه** موجب **غسل جنابت** و نیز ثبوت **عده** و تمامی **مهر**، و نسبت به **زن اجنبی** با شرایطی موجب ثبوت **حدّ زنا** می‌شود.

نگاه کردن به فرج

نگاه کردن همسر، به فرج در حال آمیزش و غیر آمیزش بنا بر **قول مشهور مکروه** است.
[۱۳] المهذب البارع، ج ۳، ص ۲۰۷.

برخی قدما نگاه به فرج را در حال آمیزش **حرام** دانسته‌اند.
[۱۴] الوسيلة، ج ۱، ص ۳۱۴.

استمتاع از فرج

استمتاع از فرج به یکی از سه سبب **حلال** می‌شود: **ازدواج** در زن آزاد و **کنیز**؛ ملکیت و تحلیل. دو سبب آخر نسبت به کنیز است.

عیوب موجب فسخ نکاح

عیوبی همچون رتق (رتق)، عقْل (عفل) و قَرَن (قرن) که در فرج پدید می‌آید مجوز بر هم زدن عقد نکاح می‌شود.

حقوق واجب زوجه

از حقوق واجب زوجه بر زوج، یک بار آمیزش در هر چهار ماه است. به قول گروهی، آمیزش باید در فرج باشد و در دُبُر کفایت نمی‌کند.
[۱۵] الانوار اللوامع، ج ۱، ص ۱۷.
[۱۶] الروضة البهیة، ج ۱، ص ۱۰۴.

ایلاء

چنانچه مرد بر ترک آمیزش یا همسر دائمی خود **سوگند** یاد کند و زن نزد **حاکم** شکایت برد، حاکم مرد را به **رجوع** یا **طلاق** امر می‌کند. رجوع با آمیزش در فرج تحقق می‌یابد و آمیزش در دُبُر کفایت نمی‌کند.
[۱۷] مسالک الافهام، ج ۱۰، ص ۱۵۹.

خوردن فرج

در حرمت خوردن فرج **حیوان حلال گوشت** اختلاف است. قول به حرمت به مشهور نسبت داده شده است.
[۱۸] جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۴۸.

فرج در حدود

در **حدّ تازیانه** باید تازیانه بر جاهای مختلف بدن بزهکار زده شود؛ لیکن لازم است از مواضع خطرناک همچون فرج خود داری گردد.
[۱۹] الروضة البهیة، ج ۹، ص ۱۰۷.

فرج و احتیاط

از چیزهایی که موضوع احتیاط شرعی است و رعایت احتیاط در آن لازم می‌باشد، فرج است. از این رو، به رغم عدم وجوب اعلام جاهل به موضوع، در امور مهمی همچون فرج، در صورتی که اعلام نکردن موجب مباح گردیدن فرج حرامی گردد، اعلام و ارشاد جاهل **واجب** است.
[۲۰] مائة قاعدة فقهية، ج ۱، ص ۳۶.
[۲۱] قواعد الفقهية، بجنوردی، ج ۳، ص ۳۶.
[۲۲] مصباح الفقهية، ج ۱، ص ۱۲۰.

پانویس

- ↑ المفردات، واژه فرج.
- ↑ راغب، واژه فرج.
- ↑ لسان العرب، واژه فرج.
- ↑ مجمع البحرين، واژه فرج.
- ↑ المعتبر، ج ۱، ص ۱۸۱.
- ↑ الحدائق الناضرة، ج ۱۹، ص ۴۵۱.
- ↑ غایة الآمال، ج ۳، ص ۴۳۲.
- ↑ جامع المدارک، ج ۱، ص ۶۱.
- ↑ الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۲۶۴.
- ↑ الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۱۹.
- ↑ الحدائق الناضرة، ج ۳، ص ۴۳۰ - ۴۲۹.
- ↑ غایة الآمال، ج ۳، ص ۴۳۲.
- ↑ المهذب البارع، ج ۳، ص ۲۰۷.
- ↑ الوسيلة، ج ۱، ص ۳۱۴.
- ↑ الانوار اللوامع، ج ۱، ص ۱۷.
- ↑ الروضة البهیة، ج ۱، ص ۱۰۴.

۱۷. ↑ مسالك الافهام، ج ۱۰، ص ۱۵۹.
۱۸. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۶، ص ۳۴۸.
۱۹. ↑ الروضة البهية، ج ۹، ص ۱۰۷.
۲۰. ↑ مائة قاعدة فقهية، ج ۱، ص ۲۶.
۲۱. ↑ قواعد الفقهية، بجنوردی، ج ۳، ص ۳۶.
۲۲. ↑ مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۱۲۰.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۵، ص ۶۶۱، برگرفته از مقاله